

استقامت و صبر آیت الله سید علی قاضی (ره):



آیت الله قاضی (ره) انسانی است که در استقامت، صلابت کوه را دارد. او برای آنکه ابواب آسمان به رویش گشوده شود چهل سال صبر کرده است. می داند که بدون استقامت

انسان به جایی نمیرسد و آن را به شاگردان خود نیز می آموزد، می فرماید:

اگر طالب حقیقی بودی به جستجو ادامه بده که اگر الان نرسیدی بالاخره زمانی خواهی رسید. تازه وقتی هم در برایت باز شد به همان کم بسنده نکن، بیشتر جستجو کن و بیشتر بخواه. انسان هیچ وقت نباید مأیوس شود و از دیر کرد نتیجه نباید دست از سیر و سلوک بردارد، زیرا ممکن است کسی با ناخن زمین را بخرشد و سپس ناگهان به اندازه‌ی گردن شتر آب زلال و روان جاری شود.

و می فرمودند کسی که اهتمام او در مقصدش خدا باشد، خداوند کفایت امر او را در جمیع مقاصد و شئونش خواهد نمود.

به نقل از آیت الله نجات (ره) و اسوه عارفان، ص ۳۲

ماهانامه مشکات جمعه اول هر ماه پس از نماز جماعت مغرب و عشاء توزیع می گردد.

- ولادت حضرت امام موسی کاظم (ع) - ۱۹ آذر
- اربعین حسینی - ۲ دی

در مسجد چه خبری؟

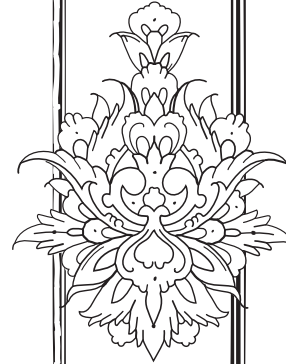
تهیه و تنظیم:

واحد فرهنگ کانون بقیة الله - مسجد صاحب الزمان (عج) رضی آباد پایین

www.shr-baghiyatallah.ir

عزیزانی که مایل به همکاری می باشند مطالب خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

E-Mail: Mahname.meshkat@yahoo.com





صبر و شکیبایی

الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ

ضد صفت «جزع»، «صبر» است و آن عبارت است از: ثبات نفس و اطمینان آن، مضطرب نگشتن آن در بلا یا و مصائب و مقاومت کردن با حوادث و شداید، به نحوی که سینه او تنگ نشود، خاطر او پریشان نگردد و گشادگی و طمانینه که پیش از حدوث آن واقع است زوال نپذیرد. از برای صبر، اقسام دیگر نیز هست مثل: صبر در معرکه ها و جنگها که از افراد شجاعت است. صبر در حال غضب، که حلم است و صبر در مشقت طاعت و عبادت. صبر بر مقتضیات شهوت و صبر بر زهد در دنیا و غیر اینها. از این ظاهر می گردد که اکثر اخلاق، داخل صبر است. از این جهت بود که از حضرت رسول ﷺ از ایمان سؤال کردند، فرمودند: «آن صبر است»^۱.

مطلق صبر، عبارت است از: مقاومت کردن نفس با هوا و هوس خود و ثبات قوه عاقله، که باعث دین است در مقابل قوه شهویه، که باعث هوا و هوس است. زیرا پیوسته میان این دو جنگ و نزاع قائم، حرب و جدال واقع است و دل آدمی میدان محاربه آنهاست.

اگر قوه عاقله ثبات قدم ورزید تا به امداد ملائکه بر قوه شهویه غالب گشت و بر این حال باقی ماند، غلبه با لشکر خداست و صاحب آن داخل در زمره صابرين است. اگر این غلبه چنان مستقل باشد که بالکلیه لشکر شیطان رامخدول گرداند که دیگر از برای ایشان قوه نزاع نماند در این وقت نفس در مقام اطمینان مستقر می شود و از پس پرده های جمال مطلق به خطاب مستطاب: ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً﴾^۲ سرافراز می گردد.

اگر هم مقهور شد صاحب آن به سپاه شیاطین ملحق می گردد.

صبر در بلا یا باعث می شود: اول آنکه: توقع ثواب، رحمت و امید وصول به درجات رفیعی در خانه آخرت می شود. «اجر صبر کنندگان، بی حساب به ایشان عطا کرده می شود»^۳.

دوم آنکه: بهجت و لذت یافتن به آنچه از جانب خدا وارد می شود، زیرا هر چه از دوست میرسد مطلوب است و دوست، مشتاق التفات دوست است و از آن لذت می یابد، اگر چه به امتحان کردن به بلا و ستم باشد. این صبر اهل محبت و معرفت است که فرموده اند:

«بشارت ده صبر کنندگان را که چون مصیبتی به ایشان رسید گویند: ما از خدا ایم و بازگشت ما به سوی اوست. ایشان اند که صلوات پروردگار برایشان و رحمت او بر ایشان است»^۴.

۱- محجة البيضاء، ج ۷، ص ۱۰۷. ۲- فجر، آیه، ۲۸-۲۷. ۳- زمر، آیه، ۱۰. ۴- بقره، آیات، ۱۵۶-۱۵۴.



احکام مصیبت دیدگان

سوال: آیا پاره کردن لباس در سوگ عزیزان از دست رفته، جایز است و در صورت عدم جواز آیا باید کفاره پرداخت؟

پاسخ: جایز نیست بدون فرق بین پدر و برادر و بین غیر آن دو بنا بر احوط (مطابق با احتیاط) و در مرگ همسر یا اولاد، کفاره اش اطعام ده مسکین یا لباس پوشاندن به آن ها یا بنده آزاد کردن است و اگر نداشت، سه روز روزه بگیرد.

سوال: در برخی از مناطق رسم است که پس از مرگ یکی از عزیزان، صورت خود را با دست خراشیده یا سیلی می زنند و یا موهای خود را می کنند، آیا این گونه اعمال شرعا جایز است؟ پاسخ: جایز نیست.

سوال: اگر کسی عمل مستحب خود را به تمام اموات هدیه کند، آیا ثواب این عمل خیر به تمام آنها می رسد یا بین آن ها تقسیم می شود؟ و آیا خود او نیز از این عمل بهره ای می برد؟ پاسخ: همه از آن بهره می برند.

استفتائات آیت الله بهجت (ره)

رسیدم تا اجل، اما رسیدن شد فراموشم

دمیدم در نی دنیا، دمیدن شد فراموشم
 دلم چون سیب سرخ افتاد، چیدن شد فراموشم
 همین که پر در آوردم پریدن شد فراموشم
 شهید حیرتم در خون تپیدن شد فراموشم
 که از شرم تماشایت شنیدن شد فراموشم
 چنان گرم تماشایم که دیدن شد فراموشم
 رکوعم، سجده ام کج شد، خمیدن شد فراموشم
 تب دل بردن آمد، دل بریدن شد فراموشم
 چهل سال است راحت آرمیدن شد فراموشم
 بگو من هم ملک بودم، پریدن شد فراموشم

رسیدم تا اجل، اما رسیدن شد فراموشم
 سرم با خنده گل گرم شد در فصل گل چینی
 ندای ارجعی گل کرد، برگشتم دمی تا خود
 مرید غیرتم، از خود گذشتن رفت از یادم
 صدای سرمه چشمت گلوی دیده ام راسوخت
 چنان از آخرت گفتم که دنیا گشت عقبایم
 به تعقیب نمازی بی اذان درخود فرو رفتم
 شب جان کندن آمد باز دل بستم به دل دادن
 دگر زیر سر من بالشی از گریه بگذارید
 اگر گفتند نامت چیست در غوغای من ربکم

وصیتنامه شهید علیرضا بنکدار



﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَكَبِّثْ أَفْئَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾
خداوندا در این مبارزه پایداری را بر ما فرو ریز و گام‌هایمان را استوار ساز و بر گروه کافران پیروزمان گردان.

...خداى من! فردای قیامت که میان بندگان داورى می‌فرمایى مرا به دیدارت شاد گردان، خداى من! چنان کن سرانجام کار من را، که در صحراى محشر روی آن داشته باشم که سرفراز آرم و جلال و جبروت تو را بنگرم. خداى من! در آن روز چنان به عفو و بخشش خود، امیدوارم گردان که بتوانم دیده به دست جود و کرم تو بدوزم و سر به آستان فضل تو بسپارم. از شما بازماندگان و تمام دوستانم که در همه جا با من بودید انتظار دارم که با صبر و بردبارى الگو باشید و مبلغى باشید که تبلیغ یا جهاد می‌کند.

از همسر و خواهران و برادرم و عزیزان و دوستان و یاران و بستگان می‌خواهم که با دورى از وابستگی دنیوی با تلاش در نماز و دعا و نیایش زبان سخن با او را بیاموزید و نگذارید بند اسارت به جانمان بزنند. خدایا خطاهای ضد ولایت فقیه و هر آن کس را که مخالف حق است نابودش ساز و در آخر آرزو دارم همچون بانوی پاک حضرت فاطمه علیها السلام مفقود الاثر گردم که دست نامحرمان بر من نخورد شاید خداوند پذیرای وجود من گردد.

«الهي كفي بي عزا ان اكون لك عبدا و كفي بي فخرا ان تكون لي»

«خداوندا برای من همین عزت کافیهست که بنده تو باشم و همین افتخار مرا بس که پروردگار من باشی.»
والسلام علی من اتبع الهدی

گردان کمیل یکی از گردان‌هایی بود که در عملیات والفجر مقدماتی در محاصره قرار گرفت و تمامی رزمندگان آن به جز یک نفر در همان کانال کمیل و میانه عملیات به شهادت رسیدند. شهید علیرضا بنکدار معاون گردان کمیل، با معدود نیروهایی که سالم مانده بودند، در حالی که از شدت تشنگی لب‌های آن‌ها خشک شده بود، با اقتدا به مولایشان اباعبدالله الحسین علیه السلام به جنگ نابرابر خود با ارتش متجاوز بعث ادامه دادند و پاتک‌های متعدد تیپ‌های زرهی عراق را، در هم کوبیدند و سرانجام مظلومانه در قتلگاه فکه جنوبی در روز ۲۱ بهمن ماه ۱۳۶۱ بر اثر اصابت گلوله خمپاره از ناحیه چپ بدن زخمی شد و بعد از چند ساعت خونریزی در کانال کمیل واقع در فکه به شهادت رسید. شادی روحش صلوات

صبر در حال رفاه و نعمت

همچنان که صبر در بلا و مصیبت است، همچنین رفاهیت و نعمت نیز محتاج به صبر است. از این جهت است که: یکی از بزرگان دین گفته: «مؤمن، بر بلا صبر می‌کند، اما صبر نمی‌کند بر حال عافیت مگر بنده صدیق».

معنی صبر بر متاع دنیا در حال وسعت و رفاهیت آن است که به آنها مطمئن نشود، خاطر جمع نگردد، بداند که آنها در نزد او به عنوان عاریه است و به زودی از او پس گرفته خواهد شد. پس غرق تنعم و ت لذت نگردد و بر کسانی از مؤمنین که آنها را ندارند تکبر و تفاخر نکند. سر در اینکه صبر در این حال، دشوارتر است از صبر بر بلا، آن است که این صبر با وجود قدرت و اختیار متحقق می‌شود و لیکن در بلا و مصیبت، اختیاری نیست و چاره‌ای بجز صبر ندارد. از این جهت است که گرسنه و صبر، بر گرسنگی در وقتی که طعام حاضر نباشد آسان‌تر است از صبر نمودن با وجود حضور طعام.

اما اموری که موافق خواهش و طبع نیست بر سه قسم است:

اول: اموری که به اختیار بنده و قدرت اوست، مثل طاعت و معصیت.

هر معصیتی که ارتکاب آن آسان‌تر است، صبر از آن و ترك نمودن آن دشوارتر. به این جهت ترك معاصی زبان چون دروغ، غیبت و هرزه‌گویی بسیار مشکل است و صبر از آن را، از همه معاصی شدیدتر شمرده‌اند. به این جهت تاکید تمام وارد شده که هر کسی باید در حفظ زبان خود کوشا باشد و هر سخنی که خواهد بگوید ابتدا در آن تامل بکند تا مشتمل بر معصیتی نباشد. چون در آن معصیتی بیند زبان خود را از آن نگاهدارد و اگر زبان او به اطاعت او نباشد عزلت اختیار کند و از تکلم با مردمان کناره گیرد تا زبان او به اطاعت او در آید. معصیت دل به فکرهای فاسده و وسوس بیهوده باطله بسیار از زبان آسان‌تر است، زیرا آن احتیاج به دیگری ندارد و به این جهت ترك آن و صبر نمودن از آن درغایت اشکال است.

دوم: در اموری که حصول آنها مقدور آدمی نیست و لیکن قدرت بر مکافات آن دارد، مثل اذیتی که از دیگری به او برسد. صبر بر این، آن است که ترك مکافات کند و از انتقام او درگذرد. این از مراتب عالیه صبر است و از این جهت خداوند به پیغمبر خود خطاب فرمود که: ﴿قَاضِيْزٍ كَمَا صَبَرَ أَوْلُوا الْقُرْمِ مِنَ الرُّسُلِ﴾^۱ «صبر کن همچنان که پیغمبران اولوا لعزم صبر کردند».

سوم: در اموری که مطلقا اختیاری و قدرتی در آنها از برای بنده نیست مانند: بلاها و مصایب دنیوی و حوادث دهریه. صبر بر آنها بسیار شدید، گران و تحمل آنها صعوبت‌بی‌پایان دارد. کسی رام‌تر به صبر بر آنها حاصل نمی‌شود مگر اینکه سرمایه صدیقین و مقربین با او باشد.

رسیدن به آن، موقوف بر معرفت کامل و یقین تام است.

۱- احقاف، آیه ۲۵

گشایش بعد از صبر

بانوی بینوایی، یگانه پسرش به سفر رفته بود، و سفر او طولانی شد. او سخت نگران شده بود و به حضور امام صادق علیه السلام آمد و گفت: پسر من به مسافرت رفته و سفرش بسیار طول کشیده و هنوز برنگشته، بسیار نگرانم. امام فرمود: ای خانم صبر کن، در پرتو آن خود را نگهدار.

آن بانو رفت و پس از چند روز انتظار باز پسرش نیامد، کاسه صبرش لبریز گردید و به محضر امام آمد و گفت: پسر من نیامده، سفرش طول کشید، چه کنم؟ امام فرمود: مگر نگفتم صبر و مقاومت کن. گفت: سوگند به خدا صبرم به درجه آخر رسیده و دیگر تاب و توان صبر را ندارم! فرمود: اکنون به خانه ات برو که پسر ت آمده است.

او سراسیمه به سوی خانه اش رفت و دید پسرش از مسافرت بازگشته است، بسیار خوشحال شد و با خود گفت: مگر بر امام وحی نازل می شود، او از کجا فهمید که پسر من آمده است؟! بروم این موضوع را از خودش بپرسم. نزد امام آمد و عرض کرد: آری همانگونه که خبر دادید پسر من از سفر آمده آیا بر شما وحی نازل می شود، که چنین خبر پنهان را دادید؟

امام فرمودند: این خبر را، از گفتار رسول خدا بدست آوردم که فرمودند: «هنگامی که صبر انسان به پایان رسید، گشایش کار او فرا می رسد».

از اینکه صبر تو به پایان رسیده بود، دریافتم که گشایش مشکل تو فراهم شده است. از این رو به تو گفتم برو که پسر ت آمده است و خبر من مطابق با واقع گردید.

صبر و صبر

از حضرت امام صادق علیه السلام مروی است که: «چون بنده مؤمن داخل قبر شود نمازهای او بر طرف راست اوست و زکات بر طرف چپ. عمل نیکش سایه بر او می افکند و صبر، درکناری قرار می گیرد. چون دو ملکی که موکل سؤال اند بر او داخل می شوند، صبر، به نماز و زکات و عمل بد او می گوید: متوجه صاحب خود باشید و او را دریابید، پس اگر شما عاجز شوید من او را در می یابم».

کافی، ج ۲، ص ۹۰

و فرمود که: «حق تعالی جمعی را نعمت عطا فرمود پس شکر آن را نکردند آن نعمت برایشان وبال شد و جمعی را مبتلا به مصائب و بلاها ساخت پس صبر کردند و آن مصیبت از برای ایشان نعمت گردید».

کافی، ج ۲، ص ۹۲

امور که طالب صبر باید مراعات نماید

هر که طالب تحصیل مرتبه صبر باشد باید مراعات چند امر نماید:
اول آنکه: بسیار ملاحظه نماید اخبار و احادیثی را که در فضیلت ابتلای در دنیا رسیده است. بداند که به ازای هر مصیبتی، محو گناهی یا رفع درجه ای است و یقین داند که خیری نیست در کسی که به بلایی گرفتار نشود. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «گاه خدا می خواهد بنده را به درجه ای رساند که با عمل هرگز به آن نمی رسد، تا جسم او به بلایی مبتلا نشود، پس خدا او را مبتلا می گرداند تا به آن مرتبه برسد».

احیاء العلوم، ج ۴، ص ۱۱۴

دوم آنکه: متذکر شود که زمان مصیبت و بلا اندک و وقت آن کوتاه است. آدمی را حیاتی معلوم نیست و تا چشم برهم زده، وقت رحلت رسیده و مصائب فراموش گشته است.

غم و شادمانی به سر می رود به مرگ این دو از سر به در می رود
غم از گردش روزگاران مدار که بی ما بسی بگذرد روزگار

سوم آنکه: تامل کند که بی صبری و جزع چه فایده می بخشد، زیرا هر چه که مقدر است می شود و جزع و فزع و داد و فریاد سودی نمی دهد، بلکه جزع، ثواب آدمی را ضایع و وقار او را ساقط می گرداند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «اگر صبر کنی، آنچه مقدر الهی است خواهد شد و تو ثواب خواهی داشت و اگر جزع نمایی مقدر الهی باز خواهد شد و از برای تو و زر و وبال خواهد بود».

نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۲۸۳

چهارم آنکه: ملاحظه احوال کسانی را کند که به بلای عظیم تر از بلای او گرفتار شدند و مصیبت شدیدتر به ایشان روی داد. پس شکر الهی را به جای آورد.
پنجم آنکه: بداند مصیبت و ابتلای او دلیل فضل و سعادت اوست و رنج و محنت او علامت قرب و عزت او.

هر که درین بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش می دهند
ششم آنکه: به یاد آورد که این محنت از خالق اوست که دوست ترین هر چیز نسبت به اوست و بجز خیر و صلاح او را نمی خواهد. عقل بنده از ادراک عواقب امور قاصر است.

هر نیک و بدی که در شمار است چون در نگرگی صلاح کار است

هفتم آنکه: تتبع نماید در احوال مقربان و بار یافتگان درگاه ربوبیت، از انبیا و اولیا و زمره سعدا. صبر و توانایی آنها را ملاحظه کند که بسیار ملاحظه آنها باعث رغبت به صبر و استعداد نفس از برای آن می شود. دوستان خدا ضربت بلا را چون شربت عطا به جان خریدند، بار الم و محنت را کشیدند، هزار جام مصیبت و قدح محنت نوشیدند و هرگز ذره ای نخروشیدند.

معراج السعادة ص ۸۱۶-۸۰۶